درنگی بر فیلم «گذشته»

تصویری از آرزوها و اضطراب‌ها

نازنین اردوبازارچی

«گذشته» نخستین فیلم اصغر فرهادی بعد از فیلم اسکاری «جدایی نادر از سیمین» است. این فیلم، نامزد دریافت جایزه بهترین فیلم خارجی در جشنواره گلدن گلوب امسال شده. «گذشته» در این بخش با چهار فیلم دیگر رقابت خواهد کرد: فیلم «آبی گرم‌ترین رنگ است» از فرانسه به کارگردانی عبداللطیف کشیش که نخل طلای کن را برده و داستان رابطه میان اَدل و اِما است که در طی آن اَدل به جست‌وجوی خود و نیازهایش برمی‌خیزد، فیلم «شکار» از دانمارک به کارگردانی توماس وینتربرگ با داستان معلمی که در گیرودار زندانی‌شدن فرزندش درگیر یک رابطه احساسی می‌شود، فیلم انیمیشن «باد برمی‌خیزد» از ژاپن به کارگردانی هایائو میازاکی که داستان جیرو هوریکوشی، طراح جنگنده‌های ژاپنی در جنگ جهانی دوم است و فیلم «زیبایی عظیم» از ایتالیا به کارگردانی پائولو سورنتینو درباره مردی که پس از تولد ۶۵سالگی‌اش به دنبال دغدغه زیبایی و پوچی در رم روانه می‌شود. «گذشته» محصول سال ۲۰۱۳ است و تا به حال در جشنواره‌های متعددی شرکت کرده و جوایز بسیاری را به خود اختصاص داده است از جمله این جوایز می‌توان به جایزه بهترین هنرپیشه زن برای «برنیس بژو» از جشنواره کن، جایزه هیات داوران جشنواره کن، جایزه بهترین فیلمنامه از جشنواره بین‌المللی فیلم دوربان، جایزه بهترین فیلم از نگاه تماشاگران در جشنواره فیلم‌های جنوب و بهترین فیلم خارجی در هیات ملی منتقدان اشاره کرد. فیلم در مورد احمد، یک مهاجر ایرانی است که از تهران به پاریسی می‌آید که چهار سال در آن زندگی کرده است. ماری، همسر فرانسوی‌اش، از او خواسته تا برای انجام مراحل قانونی طلاق به پاریس برگردد. احمد در خانه ماری با سمیر و پسرش فواد مواجه می‌شود و کم‌کم پی به وجود رابطه‌ای عمیق بین سمیر و ماری و به قصد آنها برای ازدواج پی می‌برد. در میان تمام تنش‌هایی که برای احمد پیش می‌آید ماری از او می‌خواهد تا با دخترش لوسی صحبت کند و دلیل ناآرامی و بدخلقی‌هایش را در یابد. فیلم به طرزی استادانه روایت می‌شود و داستان، کشش خود را تا به انتها حفظ می‌کند. اصغر فرهادی در این فیلم که در فرانسه می‌گذرد و زبان اصلی آن فرانسه است، مانند فیلم‌های دیگرش (رقص در غبار، شهرزیبا، درباره الی) به میرایی عشق، روابط انسان‌ها در قالب خانواده و فرد می‌پردازد. احمد، نقشی میانجیگرانه را برعهده می‌گیرد، هم در مورد فواد (با بازی درخشان إلیس أگی که با هدایت فرهادی توانسته به تمام معنا نقش کودکی عاصی و آزاردیده را بازی کند و نگذارد اجرایش به مجموعه‌ای از اداهای کودکانه که در سینمای ما مرسوم است، بدل شود) که نگران مادر خودکشی‌کرده‌اش در بیمارستان است و در میانه تنش‌های عاطفی پدرش، ماری و احمد آواره شده است و هم در مورد لوسی که از وجود سمیر در زندگی مادرش و از حضورش در خانه‌شان دل‌خوشی ندارد. گذشته درامی است که امیدوارانه به کنکاش و جست‌وجوی راه‌های رهایی ما از گذشته‌ای که خودخواسته در آن محبوسیم می‌پردازد. علی مصفا با کشیدن بار درام فیلم بر دوش‌اش می‌کوشد تا احمد را به ماری نزدیک کند و برنیس بژو با سکوت‌های هنرمندانه و خشم‌های افسارگسیخته‌اش ما را به این فکر فرو می‌برد که آیا سرانجام خواهد توانست در قالب یک رابطه نرمال آرام بگیرد؟ حضور ماهرانه دوربین محمود کلاری در سکانسی از فیلم با بازی بژو و کارگردانی فرهادی خود را به گونه‌ای به رخ تماشاگر می‌کشد که وقتی ماری از پس خشمی توفانی به آرامش رسیده و پنجره را باز می‌کند، هوای سرد بیرون چنان به سمت صورت تماشاچی پرتاب می‌شود که گویی در صحنه حاضر است. غیاب موسیقی چنان حضور پرطنینی در فیلم دارد که حتی لحظه‌ای هم حس نمی‌شود. تمام موزیک متن فیلم متشکل از صدای ماشین‌ها، قطار، هواپیما و ازدحام انسان‌هاست. ارزیابی منتقدان در مجموع از فیلم «گذشته» بسیار مثبت است و در اکثر نظرسنجی‌ها رتبه بالایی را کسب کرده است. روزنامه گاردین در نقدی که بر این فیلم داشته آن را درامی فوق‌العاده هوشمندانه با بازی‌های درخشان دانسته و با قلم «پیتر برادشاو» آورده است که: «فرهادی با پرداختن فراوان به جزییات و غافل‌گیری‌های نهفته در پلات داستان آن را از مرزهای باورپذیری عبور داده است. در سکانس آغازین فیلم که رگ و پی روشنفکرانه و تحسین‌برانگیزی دارد، ماری احمد را از فرودگاه می‌آورد و با بیرون‌آوردن ماشین از جای پارک‌اش که با تصادفی سطحی همراه است گونه‌ای فاجعه نامعلوم را رقم می‌زند و فرهادی با زیرکی تمام طی فیلم، آن را بازگشایی می‌کند.» این فیلم اغلب شرایط لازم برای شرکت در جشنواره و بردن جایزه را داراست. بسیاری از تحلیلگران این فیلم را شانس اول بردن جایزه بهترین فیلم خارجی گلدن گلوب می‌دانند. با توجه به این امر که جشنواره گلدن گلوب همواره به‌عنوان پله‌ای برای مراسم اسکار دانسته شده و همگان بر این باورند که بسیاری از وقایع جشنواره اسکار را می‌توان با تکیه بر آنچه در گلدن گلوب رخ می‌دهد، پیش‌بینی کرد و می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که احتمال نامزدشدن این فیلم در مراسم اسکار نیز وجود دارد. با حضورهای مداوم کارگردانانی مانند اصغر فرهادی و فیلم‌هایش که به شایستگی نقش نمایندگان سینمای ایران را در عرصه بین‌المللی ایفا می‌کنند می‌توان به هرچه مطرح‌ترشدن سینمای ما و گسترده‌ترشدن روابط آن با سینماهایی فراتر از مرزهای ایران و کسب اعتبار بیشتری برای آن امیدوارتر شد چراکه سینما، صنعت و هنری بدون مرز است و خود در ذاتش در پی کمرنگ‌کردن مرزها و ایجاد پیوستگی انسان‌ها و به تصویرکشیدن آرزوها، ترس‌ها و اضطراب‌های مشترک میان انسان‌هاست.

علی مصفا و برنیس بژو در نمایی از فیلم «گذشته»

مجموعه‌های تلویزیونی درام، کمدی و موزیکال در «گلدن گلوب»

بازتاب مناسبات اجتماعی

مسیح اسماعیلی

به قول «آنتونی هاپکینز» که از بزرگ‌ترین بازیگران قرن اخیر سینماست، تماشای سریال «Breaking Bad» ماراتنی است که مثل یک کمدی سیاه شروع می‌شود و بعد به خون، نابودی و جهنم ختم می‌شود. این سریال همچون تراژدی‌های جیکوبی، شکسپیری و یونانی است. داستان فیلم در آلباکرک، سرزمین کاکتوس‌های اندک و زمینِ سوخته‌درآفتاب می‌گذرد. این سریال که مخاطبان انبوه دارد، هفته پیش‌برنده دو جایزه «امی» از جمله «امی بهترین سریال درام» شد و بسیاری از جوایز دیگر را نیز به خانه برد. این سریال داستان، زندگی یک معلم شیمی را روایت می‌کند که پس از پی‌بردن به بیماری مهلک سرطان، برای تامین هزینه‌های درمان به تولید و فروش موادمخدر روی می‌آورد. حفاظت از دوستان در برابر قاچاقچی‌ها، درونمایه اصلی سریال است.

«شان تی‌کالینز» منتقد «رولینگ استونز» درباره این سریال می‌گوید: «مثل بسیاری از سریال‌های درخشان تلویزیون و نه سریال‌های تقلیدی، این سریال همچنان بسیار مفرح است. سریال شیوه خاص خودش را برای خنداندن ما دارد و از طرفی ما را مدام مجبور می‌کند با استفاده از اطلاعات جدید، اطلاعات قدیمی‌مان را ارزیابی کنیم. این سریال عالی است.» این سریال تاکنون هفت جایزه امی را از آن خود کرده است. از جمله آنها می‌توان به سه جایزه پیاپی بهترین بازیگر نقش اول مردِ مجموعه‌های درام برای «برایان کرانستون» اشاره کرد که با بازی در نقش «والتر وایت» این فرصت تمام‌عیار را داشته تا قدرت بازیگری خود را بعد از مدت‌ها حضور در سینما و تلویزیون به رخ دیگران بکشد. او برای بازی در «Breaking Bad» توانست سه‌سال پیاپی جایزه امی بهترین بازیگر نقش اصلی مرد را به دست آورد. این بار هم در گلدن‌گلوب نامزد بهترین بازیگر مرد رئال تلویزیونی شده است. «مت روش» منتقد «تی‌وی گاید» بازی برایان کرنستن در نقش والتر وایت را «مثل همیشه حیرت‌انگیز» توصیف کرد: «سریال Breaking Bad همچنان حکایتی اخلاقی است درباره اخلاقیات ضربه‌خورده‌ای که نمی‌شود آن را ترمیم کرد. هرجور هم که فکرش را بکنید مرگبارترین ضدقهرمان تلویزیون دارد دچار مشکل می‌شود. برای او بد است، برای ما خوب.» در آخر اینکه وینس گلیگان، نویسنده این سریال اخیرا اعتراف کرده «به همکارانم نگفتم اما واقعا موقع نوشتن آخرین کلمات فیلمنامه آخرین قسمت، گریه کردم. از آن به بعد هم دیگر گریه نکردم.» سریال The Good Wife (همسر خوب) در مورد زنی است که همسر سیاستمدارش به زندان افتاده. آلیشیا (قهرمان اصلی داستان) که درس وکالت خوانده اما از سال‌ها بعد از ازدواجش هیچ فعالیت حقوقی نداشته، حالا بعد از ۱۰ سال قرار است دوباره برای یک شرکت حقوقی وکالت کند. او که سال‌ها از وکالت فاصله گرفته و به بزرگ‌کردن فرزندان و زندگی به‌عنوان یک زن خانه‌دار خو گرفته است، در محیط کار با استقبال گرمی مواجه نمی‌شود. از طرفی باید صحبت‌های درگوشی همکارانش را در مورد شوهرش تحمل کند و از طرفی دیگر با مشکلات کار تازه مواجه باشد. این سریال را تونی و ریدلی اسکات تهیه کرده‌اند و از سال ۲۰۰۹ تا به امروز تولیدش ادامه داشته است.

دیوید فینچر در اولین پروژه بعد از آخرین فیلم سینمایی‌اش با نام «دختری با خالکوبی اژدها» این‌بار سراغ ساخت یک سریال تلویزیونی رفت. سریالی با نام خانه پوشالی (House of Cards) که در ژانر درام و هیجان‌انگیز قرار دارد. نام این سریال به بازی قدیمی اشاره دارد که در آن ورق‌های بازی به‌صورت خانه‌ای چندطبقه روی هم قرار می‌گیرند و البته هر لحظه هم احتمال ریختن ورق‌ها وجود دارد. دیوید فینچر به سراغ سریالی رفته است که نسخه قدیمی آن در سال ۱۹۹۰ از تلویزیون پخش شد؛ سریالی که اقتباسی از رمان معروف Michael Dobbs است. این سریال در سال ۱۹۹۰ به‌صورت مینی‌سریال از شبکه BBC انگلستان پخش شد و بسیار موفقیت‌آمیز بود و برنده جایزه امی نیز شد. فرانسیس آندروود، نماینده دموکرات کنگره و مغز متفکری است که در پشت پرده کمپین انتخاباتی رییس‌جمهور جدید «گرت واکر» را هدایت کرده و او را به قدرت رسانده است. گرت پس از انتخاب‌شدن تصمیمش برای سپردن وزارت امورخارجه به آندروود تغییر می‌دهد تا حضور او در کنگره به کنترل بیشتر حزب کمک کند؛ تصمیمی که خشم فرانسیس را در پی دارد و حالا او در فکر انتقام و از هم‌پاشیدن خانه‌ای است که با ورق‌ها ساخته. رابین رایت (Robin Right) در نقش کلیرآندروود همسر فرانک به ایفای نقش می‌پردازد. رابین رایت که در کارنامه‌اش همکاری با فینچر در فیلم «دختری با خالکوبی اژدها» نیز دیده می‌شود در فیلم‌های موفق دیگری همچون Moneyball و State of Play نیز به نقش‌آفرینی پرداخته و با خوش‌درخشیدن در این سریال نیز نامزد بهترین بازیگر زن در یک سریال تلویزیونی شده است. کوین اسپیسی Kevin Spacey، بازیگر دیگر این سریال است که با ارایه نقش‌های مثبت و منفی، چهره‌ای کاملا متفاوت و بازی زیرپوستی بسیار لطیفی از خود به نمایش می‌گذارد. وی که اسکار بهترین بازیگر نقش‌دوم را برای بازی در فیلم مظنونین همیشگی و چهارسال بعد نیز اسکار بهترین بازیگر نقش اول مرد را برای ایفای نقش لستر برتهام در فیلم زیبایی آمریکایی ربوده است، این بار نامزد بهترین بازیگر مرد در یک سریال تلویزیونی گلدن‌گلوب شده است. همچنین جایزه بهترین کارگردان سریال درام امسال جوایز امی به دیوید فینچر برای «خانه پوشالی» رسید. سریال «دانتن ابی» چند داستان را همزمان روایت می‌کند. ماجرای این مجموعه در عمارت دانتن ابی، محل زندگی زن و شوهری از خاندان اشرافی به القاب ارل و کنتس گرانتهام می‌گذرد. این زوج بزرگان خانواده کراولی هستند و در سریال زندگی آنها، آشنایان و خدمتکاران آنها روایت می‌شود. هر قسمت این سریال یک‌میلیون پوند هزینه داشته است. متن سریال را جولین فلوز نوشته که خودش اشراف‌زاده است و با زیروبم زندگی اشرافی آشنایی کامل دارد. زمان وقوع ماجرای سریال آغاز حکومت پادشاه جورج پنجم و دوسال قبل از آغاز جنگ جهانی اول است. سریال با خبر غرق‌شدن کشتی تایتانیک شروع می‌شود؛ حادثه‌ای که نقشی تعیین‌کننده در تاریخ داشت. موفقیت دیگر «دانتن ابی» جدا از سیل مخاطبان و جوایز متعددی که برده، ورود آن به کتاب رکوردهای جهانی گینس است. در ویرایش جدید این کتاب نام «دانتن ابی» به‌عنوان «تحسین‌شده‌ترین سریال تلویزیونی از سوی منتقدان» ثبت شده است؛ سریالی که هر قسمت آن در بریتانیا به‌طور میانگین بیش از ۱۰میلیون‌نفر و در آمریکا بیش از شش‌میلیون نفر بیننده دارد. سریال دختران «the girls» یک کمدی ۳۰دقیقه‌ای است و از شبکه HBO پخش می‌شود؛ یک کمدی تلخ از داستان زندگی چهاردختر با خصوصیات اخلاقی مختلف و همچنین نقدی درباره شرایط دختران و زنان در جامعه امروز آمریکاست. این مجموعه تلویزیونی از بعضی‌جهات قابل مقایسه با سریال جنسیت‌وشهر است. تهیه‌کننده، نویسنده و کارگردان این سریال Lena Dunham در نقش هانا دختر پرحرف و در یک کلام دیوانه‌ای است که دوست دارد نویسنده شود اما سربار دوستان خود است. وی نامزد بهترین بازیگر زن در یک سریال تلویزیونی موزیکال یا کمدی گلدن‌گلوب شده است. یکی از سریال‌های پرطرفدار آمریکایی که از سال ۲۰۰۷ شروع به پخش از شبکه CBS آمریکا کرده، سریال نظریه بیگ‌بنگ (The Big Bang Theory) است. از همان فصل اول، محبوبیت این سریال‌رو به گسترش گذاشت. داستان زندگی چهارجوان فیزیکدانی است که در دانشگاهی به‌عنوان محقق کار می‌کنند. تمام فکر این چهارنفر، تکنولوژی، فیلم‌های علمی-تخیلی، کتاب‌های کمیک، بازی‌های کامپیوتری و اختراع دستگاه‌های عجیب‌وغریب است. اما با وجود اینکه این گروه ادعا می‌کنند چیزی در دنیا نیست که از آن بی‌اطلاع باشند، از بخش مهمی از زندگی، هیچ چیزی نمی‌دانند: روابط و هوش اجتماعی. از بین این چهار دوست، شلدن محبوب‌ترین شخصیت سریال است که در ابتدا قرار نبود شخصیت اول باشد، اما پدیده‌ای به نام جیم پرسونز که برای ایفای این نقش امسال برنده جایزه امی شده، با بازی خارق‌العاده‌اش کاری کرد که در فصل دوم علنا داستان‌ها برپایه او نوشته شود. انسانی به‌شدت باهوش، خاص و وسواسی که به‌قول خودش سخت‌ترین کار زندگی‌اش تحمل آدم‌های معمولی دوروبرش است. شلدن جوان‌ترین عضو دانشگاهش با مدرک PHD است که از بچگی عاشق فیزیک بوده و در ۱۲سالگی بعد از ساخت موفقیت‌آمیز دستگاه CatScan خودش در خانه، به‌خاطر سوختگی با تشعشع ماه‌ها در بیمارستان بستری بوده است، اما او در روابط اجتماعی و فهم معانی طعنه‌ها و کنایه‌ها مشکل دارد. جیم پارسونز که امسال برای سومین‌بار برای سریال «نظریه انفجار بزرگ» برنده جایزه امی بهترین بازیگر مرد سریال کمدی شده، این‌بار هم نامزد بهترین بازیگر مرد سریال کمدی گلدن‌گلوب شده است. کمدی خانواده امروزی (modern family) روایتگر زندگی مدرن مردم آمریکاست؛ یک کمدی که داستان یک خانواده بزرگ را روایت می‌کند. راز موفقیت خانواده مدرن شخصیت‌های متعدد با شخصیت‌پردازی درست و با توجه به تناقض‌های انسانی آنهاست. سریال خانواده مدرن امسال نیز همانند چهارسال گذشته جوایز تلویزیونی امی را درو کرد. لیزا چولودنکو (Lisa Cholodenko) کارگردان این سریال درباره این سریال می‌گوید: «سعی کرده‌ایم خانواده‌ای را به تصویر بکشیم که با دیگر خانواده‌ها متفاوت باشد زیرا به نظر می‌رسد خانواده‌ها در حال تغییر هستند.» در این سریال تلویزیونی سه‌خانواده که از قشر نسبتا مرفه آمریکا هستند با روابط خانوادگی، به یکدیگر مربوط شده و داستان زندگی آنها به‌صورت طنز به تصویر کشیده می‌شود.

برایان کرانستون و آنا گان

حلقه منتقدان نیویورکی و «گلدن گلوب»

آناهیتا موگویی: فیلم «۱۲سال بردگی» به کارگردانی استیو مک‌کویین در بخش درام گلدن‌گلوب نامزد بهترین فیلم، بهترین بازیگر مرد، بهترین بازیگر مکمل مرد، بهترین بازیگر مکمل زن و بهترین فیلمنامه است. به نظر می‌رسد که این فیلم بتواند گوی سبقت را از دیگر فیلم‌های نامزدشده برباید. داستان فیلم اقتباسی از رمانی به همین نام است که داستان یک سیاهپوست آزاد را بیان می‌کند که به‌عنوان برده فروخته می‌شود... این در حالی است که حلقه منتقدان نیویورک، استیو مک‌کویین، کارگردان بریتانیایی را به‌عنوان بهترین کارگردان سال انتخاب کردند. چیتل اجیفور برای بازی درخشانی که در این فیلم داشته نامزد دریافت جایزه بهترین بازیگر مرد شده است. به نظر می‌رسد به‌دلیل همین بازی درخشانش شانس بیشتری در دریافت این جایزه داشته باشد. فیلم «اخاذی آمریکایی» هم که در بخش کمدی نامزد دریافت جایزه بهترین بازیگر مرد، بهترین بازیگر زن، بهترین بازیگر مکمل مرد، بهترین بازیگر مکمل زن، بهترین کارگردانی و بهترین فیلمنامه است، شانس زیادی دارد. حلقه منتقدان فیلم نیویورک، این فیلم را به‌عنوان بهترین فیلم سال انتخاب کردند. نکته قابل‌توجه در این فیلم و دیگر فیلم‌های نامزدشده در بخش کمدی یا موزیکال این است که می‌توان گفت هیچ‌کدام به‌معنای واقعی کلمه کمدی نیستند، اگر هم باشند کمدی سیاه خواهند بود. فیلم «کاپیتان فیلیپس» نامزد بهترین کارگردانی و بهترین بازیگر مرد و بهترین فیلم در بخش فیلم‌های درام، بر اساس داستانی واقعی است که در سال ۲۰۰۹ اتفاق افتاده و ربوده‌شدن کشتی باری آمریکایی توسط دزدان دریایی سومالیایی را حکایت می‌کند. به‌نظر منتقدان آمریکایی بازی درخشان «تام هنکس» در این فیلم شانس برنده‌شدن او را بیش از پیش می‌کند. متیو مک‌کانگی به‌دلیل بازی خوبی که در فیلم «دالاس بایرز کلاب» داشته نامزد دریافت جایزه بهترین بازیگر نقش مرد در بخش درام شده است. این فیلم که داستان آن در سال ۱۹۸۵ اتفاق می‌افتد درباره یک کابوی است. نامزد بعدی «رابرت ردفورد» در فیلم «همه‌چیز گم‌شده» است... بازیگر نقش اول فیلم «یاسمن آبی» ساخته وودی آلن در بخش درام نامزد دریافت جایزه و یکی از مدعیان سرسخت این جایزه است. «کیت وینسلت» هم در فیلم «روز کار» نامزد دریافت این جایزه است. نامزد بعدی «اما تامپسون» در فیلم «نجات آقای بانک» است. «مریل استریپ» در فیلم «آگوست: اوسج کانتی» نیز در بخش کمدی با لحظه‌های کمدی نامزد دریافت جایزه بهترین بازیگر نقش اول زن است.

نقد

نگاهی به نقدهای منتشرشده در مطبوعات فرانسه

گذشته و منتقدان*

مهاجرت مقوله‌ای است که در عین سازندگی می‌تواند ویرانگر نیز باشد. اصغر فرهادی پس از «درباره الی» و «جدایی» برای نخستین‌بار تصمیم می‌گیرد فیلمی را خارج از وطنش بسازد. این‌کار دشواری‌های خود را دارد، کارکردن با بازیگرانی که به زبان او مسلط نیستند و قراردادن داستان در جغرافیا و جامعه‌ای که به آن تعلق ندارد. اما حاصل تمام این دشواری‌ها فیلمی هیجان‌انگیز است.

در فیلم «گذشته» می‌توان به قدرت‌های فرهادی، به مهارتش در قصه‌گویی و استعدادش در بازیگردانی پی برد. فراوانی داده‌ها و اطلاعات در فیلم، تضمینی هستند برای واقع‌گرایی آن. هدف فیلم، نشان‌دادن بار سنگین، طاقت‌فرسا و به‌تصویرکشیدن دشواری تهی‌شدن از اکنون برای رفتن رو به آینده است، اما این حقیقت با تکرارشدن در بسیاری از سکانس‌های فیلم به نوعی به توضیح واضحات ختم می‌شود اما اگر از منظر دیگری به آن نگاه کنیم این نظر یک هنرمند بزرگ است به سرزمینی که در پی کشف زندگی روزمره آن است و با یک کنجکاوی سمج از آن فیلم می‌گیرد. آنچه در این فیلم نظر ما را جلب می‌کند نزدیکی تجربه یک جوان ایرانی با معاصران غربی‌اش است؛ آن شگفتی‌ای که به دغدغه فرهادی در حومه پاریس و درباره اخلاقیات جوانان فرانسوی بدل می‌شود.

بازی بازیگران فیلم یکی از اعتبارات آن به حساب می‌آید؛ برنیس بژو در نقش زنی بی‌اعتماد، آزرده و خطرناک. طاهر رحیم، مرد جوانی با پیری زودرسی ناشی از رنجی که می‌کشد. علی مصفا، بازیگر ایرانی که در حکم یک دانای شرقی وارد بازی می‌شود و هیچ‌گاه مرتکب خطا نمی‌شود و در آخر، این فرهادی است که بر مبنای حکایت خود به یک نتیجه‌گیری اخلاقی می‌رسد.

تحلیل آرنو هه

فیلم برخلاف عنوانش به آنچه گذشته نمی‌پردازد مگر در جزییات. به‌عنوان مثال احمد هنگام زیروروکردن چمدانش در انباری به عکسی از گذشته‌اش با ماری برمی‌خورد. فیلم بیشتر بر پایه هجوم گذشته به حال و حجمی از ناگفته‌ها پیش می‌رود. اصغر فرهادی کاری مشابه بافتن یک شال را انجام می‌دهد و طبق عادتش واقعیت را درون سرپوشی قرار می‌دهد تا به ما بقبولاند که این واقعیت بسیار آشنا و در عین حال پیچیده است. مطابق معمول فیلم‌های فرهادی، حقیقت در رفت‌وآمد است و گناهکار مدام از شخصی به دیگری بدل شده و جرم دست‌به‌دست می‌شود. اصلی‌ترین دروغ داستان یعنی همان چرایی خودکشی زن سمیر به شخصیتی نسبت داده می‌شود که زیردست‌ترین جایگاه اجتماعی را دارد. در این فضاست که میزانسن استادانه، با موقعیت هماهنگ می‌شود و اصغر فرهادی سینماگری ساختارشکن و در عین حال ماهر باقی می‌ماند. سینمای او باز، نیمه‌بسته و بسته است.

*** بخش اول برگرفته از لوموند (۲۷می ۲۰۱۳) و بخش دوم برگرفته از «critikat.com» توسط نازنین اردوبازارچی ترجمه شده است.**

آن‌سوی ابرها

هفتادویکمین «گلدن گلوب» و تقدیر از «وودی آلن»

یک عمر خلاقیت

پیام ابراهیمی

«اتحادیه مطبوعات خارجی هالیوود» پس از شکل‌گیری در سال ۱۹۴۳ تصمیم گرفت هرساله جایزه‌ای را به بهترین آثار سینمایی و تلویزیونی تولیدشده در آن سال اختصاص دهد. این جایزه که «گلدن گلوب» نام گرفت، یکی از مهم‌ترین رویدادهای سینمایی جهان به‌شمار می‌رود و از سال ۱۹۴۴ هرساله در بخش‌های «درام» و «کمدی یا موزیکال» به بهترین آثار سینمایی و تلویزیونی تعلق می‌گیرد. بخش‌های مختلف این جایزه عبارتند از: بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین بازیگر مرد/زن، بهترین بازیگر مکمل مرد/زن، بهترین فیلمنامه، بهترین فیلم خارجی، بهترین انیمیشن، بهترین موسیقی متن و بهترین ترانه. از سال ۱۹۵۲ جایزه دیگری نیز به فهرست جوایز اهدایی در مراسم گلدن‌گلوب اضافه شد. این جایزه هرساله برای تقدیر از یک عمر فعالیت هنری به یکی از هنرمندان عرصه سینما و تلویزیون آمریکا اهدا می‌شود. «سسیل ب. دومیل» اولین فیلمسازی بود که این جایزه به او اهدا و این جایزه از آن پس به افتخار او به همین نام خوانده شد. والت دیزنی، کرک داگلاس، فرانک سیناترا، آلفرد هیچکاک، پُل نیومن، الیزابت تیلور، کلینت ایستوود، رابرت ردفورد، سوفیا لورن، آل پاچینو، جک نیکلسون، استیون اسپیلبرگ، مارتین اسکورسیزی، رابرت دونیرو، مورگان فریمن و جودی فاستر از جمله معروف‌ترین هنرمندانی هستند که موفق به دریافت این جایزه شده‌اند. امسال در هفتادویکمین دوره برگزاری گلدن‌گلوب قرار است وودی آلن، کارگردان، نویسنده و بازیگر اهل نیویورک به‌خاطر سال‌ها فعالیت هنری با دریافت جایزه سسیل ب. دومیل مورد تقدیر قرار گیرد. آلن شصت‌ودومین نفری خواهد بود که این جایزه را دریافت می‌کند. وی پیش از این نیز در سال‌های ۱۹۸۷ و ۱۹۹۶ جایزه مشابهی را از انجمن‌های سینمایی آمریکا دریافت کرده بود. تئو کینگما، رییس انجمن مطبوعات خارجی هالیوود که آلن را یک گنجینه بین‌المللی می‌داند معتقد است هیچ‌کس به اندازه او شایستگی دریافت چنین جایزه‌ای را ندارد. هرچند نظر خود آلن در مورد دریافت جوایز بسیار متفاوت است. او می‌گوید: «صدها نفر دیگر هستند که می‌توانند به‌سادگی جایزه‌ای را که شما گرفته‌اید، دریافت کنند. اینکه جایزه به شما تعلق می‌گیرد دلیلی بر این نیست که شما واقعا سزاوار دریافت آن هستید.» آلن تا به حال ۱۳بار کاندیدای دریافت جایزه گلدن‌گلوب شده که از این میان تنها دوبار در سال‌های ۱۹۸۵ و ۲۰۱۲ برای فیلم‌های «رز ارغوانی قاهره» و «نیمه‌شب در پاریس» موفق به دریافت این جایزه شده است. آلن که چندروز پیش ۷۸ساله شد از سال ۱۹۶۶ تا به حال نزدیک به ۵۰ فیلم ساخته و ۷۰ فیلمنامه نوشته و

در کل ۱۳۶بار کاندیدای دریافت جوایز مختلف شده که از مهم‌ترین آنها می‌توان به ۲۳نامزدی برای دریافت جایزه اسکار اشاره کرد. وی چهاربار موفق به دریافت جایزه اسکار شده که اولین‌بار آن در سال ۱۹۷۷ و برای فیلم موفق «آنی‌هال» بوده. آنی‌هال علاوه بر اینکه جایزه بهترین فیلم سال را از آکادمی اسکار دریافت کرد، دو جایزه بهترین کارگردانی و بهترین فیلمنامه را نیز برای آلن به ارمغان آورد. وی همچنین برای این فیلم کاندیدای دریافت جایزه بهترین بازیگر مرد نیز شد و دایان کیتون نیز به‌خاطر نقش‌آفرینی در این فیلم جایزه بهترین بازیگر زن را از آکادمی اسکار دریافت کرد. درخشش آنی‌هال تنها به جایزه اسکار محدود نشد. «آکادمی هنرهای فیلم و تلویزیون بریتانیا» در همان سال جایزه بهترین کارگردانی و بهترین فیلمنامه را به این فیلم اختصاص داد و آلن باز هم کاندیدای دریافت جایزه بهترین بازیگر مرد شد، اما موفق به دریافت جایزه نشد. آنی‌هال در گلدن‌گلوب هم درخشید و آلن کاندیدای دریافت جایزه بهترین کارگردان، بهترین فیلمنامه و بهترین بازیگر مرد شد، اما در هیچ‌کدام از این سه شاخه موفق به جلب‌نظر داوران اتحادیه مطبوعات خارجی هالیوود نشد. آنی‌هال در چند فستیوال سینمایی مهم دیگر نیز جوایزی را برای آلن به ارمغان آورد. هرچند آلن طی نزدیک به ۵۰سال فعالیت هنری با آثار مختلف خود بارهاوبارها جوایز مختلفی را به‌دست آورده، اما همچنان بسیاری از منتقدان معتقدند آنی‌هال موفق‌ترین اثر کارنامه پربار این کارگردان خستگی‌ناپذیر است... «نیمه‌شب در پاریس» که در سال ۲۰۱۱ ساخته شده، آخرین فیلمی از آلن است که وی با آن در جشنواره‌های مختلف درخشیده. دوجایزه بهترین فیلمنامه در جشنواره‌های اسکار و گلدن‌گلوب، کاندیداشدن برای دریافت جایزه بهترین کارگردانی در جشنواره‌های اسکار و گلدن‌گلوب، کاندیداشدن برای دریافت جایزه بهترین فیلم جشنواره اسکار و کاندیداشدن برای دریافت جایزه بهترین فیلمنامه آکادمی هنرهای فیلم و تلویزیون بریتانیا افتخاراتی است که این فیلم برای آلن به ارمغان آورده. آلن پس از نیمه‌شب در پاریس دو فیلم دیگر به نام‌های «تقدیم به رم، با عشق» و «جازمین غمگین» را ساخته. «کیت بلانشت» بازیگر نقش جازمین در فیلم جازمین غمگین نیز از سوی اتحادیه مطبوعات خارجی هالیوود کاندیدای دریافت جایزه بهترین بازیگر زن در جشنواره گلدن‌گلوب امسال است. جایزه سسیل ب. دومیل ۱۲ ژانویه ۲۰۱۴ در هفتادویکمین دوره برگزاری گلدن‌گلوب در حالی قرار است به وودی آلن اهدا شود که احتمال می‌رود او همانند بسیاری مراسم دیگر، در این مراسم نیز حضور نداشته باشد. گفته می‌شود دایان کیتون قرار است به نمایندگی از او جایزه را بگیرد. تنها حضور وودی آلن در مراسم اهدای جوایز به حضور او در مراسم اسکار سال ۲۰۰۲ برمی‌گردد؛ جایی که وی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر در ادای احترام به شهری که عاشقانه آن را دوست دارد برای اهالی سینما سخنرانی کرد.

پیش از نیمه‌شب

اتفاقی که زودتر منتظرش بودیم

این‌بار، «سلین»

ژولی دلپی که با بازی در نقش «دومینیک» در سه‌رنگ (سفید) به‌کارگردانی کریستوف کیشلوفسکی و «سلین» در سه‌گانه ریچارد لینکلیتر هم قدرت بازیگری خود را به نمایش گذاشته و هم خاطره دلچسبی را برای دوستداران سینما رقم زده، امسال و برای نخستین‌بار نامزد دریافت جایزه گلدن‌گلوب شده است. آن‌هم برای بازی در قسمت سوم سه‌گانه ریچارد لینکلیتر (پیش از نیمه‌شب). هرچند بازی او شاید به تعبیری در دو قسمت قبلی (پیش از طلوع و پیش از غروب) چشمگیرتر بود. او در «پیش از غروب» توانسته بود با ارایه بازی‌ای باورپذیر و خلاقانه و در فیلمی که بیش از هر چیز دیالوگ‌محور بود، توانایی‌های خودش را در سینما ثابت کند و اکنون و در آستانه روز تولدش، نامزد دریافت جایزه‌ای معتبر شده است. ژولی دلپی، بازیگر، خواننده و کارگردان فرانسوی در ۲۱دسامبر ۱۹۶۹ در پاریس به‌دنیا آمده است.